

عنوان مقاله:

عقل و عشق از دیدگاه مولانا

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم انسانی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

ریحانه کمانه - دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

خلاصه مقاله:

عشق در خلق شاهکارهای ادبی نقش بسزایی داشته و خود نیز در این آثار جلوه های گوناگونی یافته است. مقاله حاضر به بررسی نظریه مولوی و جان دیویی درباره عقل و عشق است. طنازی شنیدنی و خاطر نوازی مکرر که ذائقه فرد را شیرین می کند. در این مقاله به شیوه تطبیقی، عشق در غزلیات شاعر بررسی و بر مبنای گزینش برخی غزلیات آنان، ابیات حاوی نظرات مشترک و متفاوت بیان شده است. اگر چه می توان گفت عشق زمینی و آسمانی دو رنگ اصلی عشق هستند و عشق به قدمت عمر و گستردگی اش، وسیع و مبهم است اما تطبیق عقاید بزرگان ادبیات همچون مولانا درباره عشق می تواند در روشنگری پیچیدگی های این موضوع جهان شمول موثر باشد. همچنین با بررسی دیدگاه آنان علت شهرت هر یک در گونه ای از غزل عاشقانه مشخص خواهد شد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش می توان در یک نگاه کلی بیان کرد که وجه غالب عشق از منظر سعدی مجازی و زمینی، از منظر مولانا عارفانه و حقیقی و از منظر جان دیویی رندانه است. عشق و اشتیاق آنان به سبب استغنائی معشوق کمرنگ نمی شود؛ زیرا بر پایه اخلاص است نه ایجاب و اقتضا. این شاعران به دشواری های بی پایان و ازلی و ابدی بودن عشق، رجحان عشق بر عقل و بی توجهی به عیب جویی های مدعیان تاکید دارند. بحث عقل و عشق از مباحث بسیار مهم و کلیدی مثنوی مولانا است. لذا در این نوشتار به بحث و تفحص در خصوص عقل و عشق در این دو اثر پرداخته شده است.

کلمات کلیدی:

عقل، عشق، اصول، روش، عقل جزئی، مولانا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/999195>

